



دستفروشان مترو هم وضعیت مشابهی دارند. اگرچه ابتکار فروش ماسک و مواد ضد عفونی با نرخ‌های پایین تر کسب و کار آنها را نسبت به خیابان‌ها بهتر کرده است. کرونا حتی چهره پسماند را هم در شهرها تغییر داد. تا جایی که تلاش‌های چند ساله برای کاهش زباله در پایتخت از ۷ هزار و ۵۰۰ تن به ۵ هزار تن با آمدن کرونا رنگ باخت و تولید زباله و عدم تفکیک (در ماه‌های اول) حجم پسماند را دوباره به عدد ۷ هزار تن در روز رساند که البته حجم قابل توجهی از ماسک‌ها، دستکش‌ها و ظروف یکبار مصرف و البته خانه نشین شدن شهروندان باعث این مسأله شده بود. اگرچه مجوز برای بازیافت زباله‌ها بعد از چند ماه رسماً صادر و این فرآیند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سر گرفته شد، اما بحث تفکیک و عدم تفکیک بویژه درباره افرادی که مبتلا به کرونا شده بودند، چالش‌های زیادی را به راه انداخت. افزایش حجم زباله‌های بیمارستانی و مراکز درمانی و نگرانی از نحوه امحای این نوع زباله هم در نهایت موجب شد تا در این زمینه سختگیری‌های بیشتری انجام شود. به روایت برخی آمارها میزان تولید زباله‌های عفونی در این دوران ۵ برابر شده است.

تعطیلی عروسی و عزا

کرونا در این یکسال بیش از آنکه شادی هایمان را نشانه بگیرد و در تالارها و سالن‌های عروسی‌مان را ببندد، مراسم سوگواری‌مان را هدف قرار داد و اگر برای شرکت نکردن در مراسم شادی دلیل موجهی داشتیم اما تنها گذاشتن اقوام و آشنایان به وقت مصیبت، روح و روانمان را بشدت به هم ریخت. توصیه‌ها برای شرکت نکردن در مراسم سوگواری البته از بهشت زهرا شروع و طی چند مرحله از ورودی بستگان متوفی جز اقوام درجه اول جلوگیری شد. در دوران اوج حتی اجازه چیدن صندلی و چادر هم داده نمی‌شد. کانال‌های مجازی البته سریع دست به کار شدند و تبریک و تسلیت‌های حضوری خیلی زود جای خودش را در صفحات اجتماعی باز کرد. تصویر اعلامیه‌های عزا شکل متفاوتی گرفت و البته کارت‌های عروسی مجازی هم به کمک عروس و دامادهای جوان آمد تا در این یکسال، صدای شادی کاروان‌های همراه عروس هم کم کم از یادمان برود.

دردناکی که موجب شد شورای شهری‌ها خواستار اضافه شدن فهرست رانندگان در فهرست اولیه واکسیناسیون شوند.

دستفروشان درگیر در غائله کرونا

دستفروشان را نباید از غائله کرونا بیرون گذاشت. شکننده‌ترین گروهی که از خالی شدن خیابان‌ها و بی‌ رغبتی مردم به خرید آسیب جدی دید و البته با همه این اوصاف نه تنها از تعدادشان کم نشد که اتفاقاً کرونا، حتی قوی‌ترین‌ها را هم به دام دستفروشی

سختگیری‌ها و هشدارها توانست بیش از ۹۵ درصد مسافران را متقاعد کند که حتماً ماسک بزنند. به عبارتی در این یکسال حمل و نقل عمومی، بیش از آنکه جزئی از فضای کالبدی شهر تعریف شود، پایگاه اجتماعی شهروندانی شده بود که در تغییر رفتار اجتماعی یکدیگر نقش جدی داشتند. با این همه نباید تاکسی‌ها را از این فرآیند حذف کرد. ابلاغیه «دونفر مسافر در صندلی عقب» در نیمه‌های فروردین ماه، قطعاً چالش برانگیزترین بحثی بود که از همان ابتدا گریبان رانندگان تاکسی را گرفت! بعد

متفاوت‌تر از سال‌های گذشته باشد! تصویر واگن‌های شلوغ، مسافران درهم تنیده، اتوبوس‌های پر از مسافر بویژه در خطوط ویژه، البته با هیچ یک از تلاش‌ها و راهکارها نتوانست از قاب پایتخت حذف شود! کاهش تعداد اتوبوس‌های خصوصی به علت ضرر و زیان‌های ناشی از کرونا قطعاً در شلوغی اتوبوس‌ها نقش داشت، اما بیشترین انتقاد در حمل و نقل عمومی متوجه مسافرانی بود که بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی در صف شلوغی‌ها ایستاده بودند. اجباری شدن ماسک در مترو و اتوبوس قطعاً



میزان مسافران مترو از حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر پیش از کرونا به یکباره به کمتر از ۵۰۰ هزار نفر رسید و در ایام عید رکورد شگفت انگیز ۱۰۰ هزار نفر را هم ثبت کرد

انداخت و موجب شد برخی مغازه دارها، صاحبان تولیدی و زنان خود سرپرست هم به علت وضعیت اقتصادی به این جمع اضافه شوند. کمک‌های معیشتی البته طی چند مرحله به حساب آنها که اسم شان در سامانه ثبت شده بود، واریز شد، اما حتی یارانه‌ها، وام‌های قرض الحسنه و بسته‌های مؤمنانه هم نتوانست بارسنگین هزینه‌های زندگی را از روی دوششان بردارد. کاهش آمار فوتی‌ها و تا حدی رعایت پروتکل‌ها البته بازار خرید از دستفروشان را از چند ماه پیش کمی پر رونق کرد، اما هشدارها از آمدن موج چهارم کرونا، قطعاً ماه طلایی اسفند را برای آنها همچون سال گذشته سیاه خواهد کرد!

از تقریباً یک ماه، به خاطر گران نشدن نرخ کرایه‌ها البته صدای راننده‌ها بلند شد. مسافران اما از این طرح راضی بودند. تا اینکه نوبت به افزایش نرخ کرایه‌ها رسید و افزایش ۲۵ درصدی توانست تا حدودی سروصداها را بخواباند. اگرچه کمبود مسافر، بویژه در ماه‌های اول، شرایط سختی را پیش روی رانندگان تاکسی گذاشت و برخی از آنها به اجبار تنها دارایی یعنی خودروشان را فروختند تا از مهلکه کرونا جان سالم به در ببرند. تعدادی هم به علت بیماری‌های زمینه‌ای، به اجبار خانه نشین شدند و با این همه تا کنون نام حدود ۱۰۰ نفر از آنها در فهرست فوتی‌ها جا خوش کرده. اتفاق

مهم‌ترین تصمیم کارسازی بود که توانست تا حد زیادی از شیوع ویروس جلوگیری کند که البته نباید از نقش ضد عفونی کردن شبانه روزی حمل و نقل عمومی هم در این میان غافل شد. اگرچه مقاومت در برابر استفاده از ماسک و فرهنگسازی برای افزایش مسئولیت اجتماعی کارچندان ساده‌ای نبود. در روزهای اول اجرای این قانون، برخی لجبازانه ماسک‌ها را از جیب درآورده و بعد هم دوباره برمی داشتند، عده‌ای گران بودن ماسک را بهانه کرده و در نهایت از چشم مأمور قطار می‌گریختند. تا اینکه بالاخره ماسک‌های نرخ مصوب به داخل ایستگاه‌های مترو راه یافت و البته

